

تاریخ، ادبیات و الهیات عهد جدید

جلسه ۱۰: مرقس، بخش ۲، پسر انسان و راز مسیحایی

نوشته دکتر تد هیلدبرانت

این سخنرانی دکتر تد هیلدبرانت در درس تاریخ، ادبیات و الهیات عهد جدید است؛ سخنرانی شماره ده درباره کتاب مرقس، پسر انسان و راز مسیحایی.

الف. معرفی و حذف پطرس به عنوان قهرمان [۳:۱۰-۰۰:۰۰]

؛ ۰۰:۰۰-۸:۳۹ پطرس در مرقس AC الف (ترکیب)

دفعه قبل که داشتیم بحث می‌کردیم، بالاخره به کتاب مرقس رسیدیم که عیسی مسیح را به عنوان خادم شگفت‌انگیز خداوند به تصویر می‌کشید. ما بر مرقس و شخصیت مرقس و پیشینه او در جوانی، رابطه‌اش با برنابا، پسر عموی بزرگترش، و رفتن به اولین سفر تبلیغی با پولس و برنابا تمرکز کرده بودیم. پس از ترک خدمت، بین پولس و یوحنا مرقس اختلاف افتاد که در واقع رابطه برنابا و پولس را از هم پاشید. سپس در پایان زندگی‌اش، با پطرس در رم دوباره متحد شد و پطرس مرقس را به عنوان پسرش، "پسر، پسر روحانی" خود دید. سپس در دوم تیموتائوس ۴:۱۱ نیز با پولس در پایان زندگی‌اش ارتباط برقرار کرد و گفت: "من می‌خواهم مرقس برگردد، او در خدمت برای من مفید است." این آشتی پس از جدایی بزرگ با آن در پایان زندگی یوحنا مرقس، یعنی در پایان زندگی پولس را نشان می‌داد.

کاری که الان می‌خواهم انجام دهم این است که فقط به برخی موارد کلی از نظر شواهد درونی نگاه کنم. اگر، همانطور که پایاس می‌گوید، یوحنا مرقس به عنوان مترجم، به عنوان مفسر، از پطرس می‌نویسد و داستان پطرس و به یک معنا انجیل را می‌نویسد، موارد زیر به نظر جالب هستند.

در کتاب مرقس، موارد خاصی در مورد پطرس حذف شده است و یکی از آن موارد، راه رفتن او روی آب است. وقتی عیسی روی آب راه می‌رود، در متی فصل ۱۴ آمده است، پطرس از قایق پیاده می‌شود و به سمت عیسی می‌رود و این یک چیز منحصر به فرد است، بقیه شاگردان در قایق می‌مانند و پطرس پیاده می‌شود. آن داستان راه رفتن روی آب در کتاب مرقس یافت نمی‌شود. این داستان پطرس است، به نوعی جالب است. وعده کلیدهای پادشاهی، در متی ۱۶، در اینجا ذکر نشده است. «مردم مرا که می‌دانند؟» «پطرس می‌گوید»: «تو مسیح، پسر خدای زنده هستی» «و عیسی می‌گوید»: «تو پطرس هستی، بر این صخره، کلیسای خود را بنا خواهم کرد» «و پطرس کلیدهای پادشاهی را دریافت می‌کند. این داستان اصلاً در کتاب مرقس ذکر نشده است. مالیات معبد، متی به این مالیات معبد اشاره می‌کند. آیا استاد تو مالیات معبد را می‌پردازد؟» «پطرس می‌گوید»: «البته که ۱۷،

همینطور است «او نزد عیسی می‌رود و می‌گوید: «هی، عیسی، آیا مالیات معبد را پرداخت کردی؟» عیسی می‌گوید: «برو پایین و یک ماهی بگیر. وقتی ماهی را بیرون آوردی، یک سکه پیدا خواهی کرد.» آن سکه فقط برای پرداخت هزینه عیسی و پطرس است. نه یازده نفر دیگر، فقط پطرس و عیسی. بنابراین این مالیات معبد است. پطرس دوباره در موقعیت منحصر به فردی در کنار عیسی قرار دارد. هیچ یک از آن داستان‌هایی که پطرس قهرمان است و رابطه‌ای منحصر به فرد با عیسی نشان می‌دهد، در کتاب مرقس ذکر نشده است.

ب. شمول اشتباهات پطرس [۱۰:۳-۰۶:۰۵]

از سوی دیگر، سه اشتباه پطرس وجود دارد، زمانی که پطرس آن را خراب می‌کند. در همان فصل، وقتی عیسی می‌گوید: «تو پطرس هستی، بر روی این صخره، من کلیسای خود را بنا خواهم کرد»، کمی بعد، عیسی به آنها می‌گوید که قرار است رنج بکشد، که قرار است بمیرد. سپس پطرس عیسی را سرزنش می‌کند و می‌گوید: ای عیسی، تو رنج نخواهی کشید و نخواهی مرد. تو مسیح هستی.» و عیسی رو به پطرس می‌کند و می‌گوید: «شیطان، از من دور شو!» این متن سپس در کتاب مرقس یافت می‌شود. هیئت نیز مشابه است؛ پطرس، یعقوب و یوحنا به همراه عیسی به کوه تغییر هیئت می‌روند. موسی و تغییر الیاس در آنجا ظاهر می‌شوند و عیسی با صورتی سفید و خیره‌کننده در مقابل آنها تغییر هیئت می‌دهد. سپس پطرس، مثل همیشه، در حالی که صحبت می‌کند می‌گوید: «بیایید سه سوکا (نوعی خیمه (بسازیم، سه کلبه بسازیم: یکی برای موسی، یکی برای الیاس و یکی برای تو.» سپس ناگهان این صدا از آسمان می‌آید و می‌گوید: «یک لحظه صبر کنید، موسی و الیاس، نه، این پسر من است.» این صدای آسمانی او را سر جایش نشانند. این تغییر هیئت است. باز هم این در کتاب مرقس آمده است.

در نهایت نوبت به انکارهای پطرس می‌رسد، وقتی خروس بانگ می‌زند و پطرس سه بار خداوند را انکار می‌کند و خروس بانگ می‌زند و پطرس از طریق این کنیزان که می‌گویند: «تو اهل جلیل هستی، این مرد را می‌شناسی.» خداوند را انکار می‌کند. پطرس قسم می‌خورد که عیسی را نمی‌شناسد و انکار می‌کند. سپس پطرس بیرون می‌رود و به تلخی گریه می‌کند.

این سه مورد در کتاب مرقس آمده است. البته کمی خنده‌دار است، فکر می‌کنم برای بسیاری از ما معمولاً وقتی اشتباه می‌کنیم و چیزی را خراب می‌کنیم، آن را خیلی بهتر از زمانی که کار خوبی انجام داده‌ایم به یاد می‌آوریم. بنابراین به نظر می‌رسد نکات منفی - اغلب اوقات می‌توانم نقدهای دانشجویی انجام دهم، و نقدهای فوق‌العاده‌ای از دانشجویان می‌گیرم، سپس یک نقد بد می‌گیرم که در آن شخص شما را به باد انتقاد می‌گیرد و اساساً شما آن کسی را که از بین صدها نفری که از کلاس لذت برده‌اند، به یاد می‌آورید که به شدت انتقاد کرده است. ما تقریباً اینگونه هستیم.

ج. رؤیای پطرس و نظر مرقس در مورد حیوانات پاک و صداقت کتاب مقدس [8:39-5:06]

پطرس این را می‌گوید. حالا نظر پطرس را می‌گوییم، و فکر می‌کنم این نکته جالبی است که در رابطه با این عبارت در فصل ۷ مطرح می‌شود، و اجازه دهید آن را از خود متن اینجا بخوانم. مرقس فصل ۷ آیه ۱۹؛ و به نظر می‌رسد که این باشد - و من باید کمی توضیح دهم؛ وقتی پطرس در کتاب اعمال رسولان، قرار است رویایی ببیند که در آن این حیوانات نازل می‌شوند، و آنها حیوانات نجس هستند، و اساساً صدای آسمانی یا هر چیز دیگری قرار است بگوید: «پطرس بلند شو و این حیوانات نجس را بخور.» پطرس به این گفته اعتراض می‌کند: «هی، این لب‌ها کوشر هستند مرد، من هرگز به چیزی که نجس باشد دست نزده‌ام.» بنابراین پطرس واقعاً به خوردن حیوانات نجس اعتراض می‌کند و در نهایت صدا می‌گوید: «نه پطرس، تو آنچه را که من پاک می‌نامم، نجس نمی‌نامی.» این مربوط به کار با غیریهودیان بود، و اینکه آیا غیریهودیان باید کوشر بخورند، و اینکه آیا غیریهودیان باید ختنه شوند. و بنابراین پولس و پطرس و دیگران، شورای اورشلیم در اعمال رسولان ۱۵، روی این ایده کار می‌کردند که آیا غیریهودیان باید غذای کوشر بخورند و آیا باید ختنه شوند. آنها تصمیم می‌گیرند: «نه، آنها لازم نیست ختنه شوند و لازم نیست غذای کوشر بخورند.» بنابراین این جمله را در انجیل مرقس می‌بینید که به نظر می‌رسد ضمیمه کوچکی از پطرس باشد که می‌گوید: «پس از آنکه او جمعیت را ترک کرد و وارد خانه شد، شاگردانش از او درباره این مثل پرسیدند. او پرسید: «آیا اینقدر کودن هستی؟ آیا نمی‌بینید که هیچ چیزی که از بیرون وارد انسان می‌شود، نمی‌تواند او را نجس کند. زیرا به قلب او وارد نمی‌شود، بلکه به شکم او می‌رود و از طریق بدنش خارج می‌شود.» و در داخل پرانتز می‌خوانید: «با گفتن این جمله، عیسی همه غذاها را پاک اعلام کرد.» بنابراین به نظر می‌رسد این چیزی است که پطرس با توجه به این رؤیای آسمانی که در کتاب اعمال رسولان در آستانه شورای اورشلیم داشت، برداشت می‌کرد. بنابراین ما فقط می‌گوییم که به نظر می‌رسد این جمله‌ای است که پطرس از اعمال رسولان باب‌های ۱۰ و ۱۱ متوجه شده است.

چیزی که در مورد این موضوع دوست دارم، صداقت، درستکاری و صراحت کتاب مقدس است. در بسیاری از کتاب‌های دیگر و اسناد خاور نزدیک باستان، این پادشاه بزرگ به عنوان فردی شگفت‌انگیز که همه این کارهای شگفت‌انگیز را انجام می‌دهد، ثبت شده است و این قهرمان افسانه‌ای تقریباً بدون هیچ نقصی به تصویر کشیده شده است. در حالی که ما در کتاب مقدس، پطرس، یکی از بزرگترین حواریون (می‌دانید که پطرس، یعقوب و یوحنا نزدیکترین حواریون به عیسی هستند (را می‌بینیم و چندین نکته از نزدیکترین بودن پطرس را می‌بینیم؛ اگرچه برخی با یوحنا بحث می‌کنند، اما صادقانه بگویم که همه حواریون، همه این دوازده نفری که در صدر کلیسا نشسته‌اند، که قرار است بر دوازده تخت بنشینند و قبایل اسرائیل را داوری کنند، هر دوازده نفر مشکلاتی دارند. بنابراین کتاب مقدس اساساً به این نکته اشاره می‌کند و نکته‌ای که من فکر می‌کنم این است که از انسان‌ها فاصله بگیریم و بگوییم، همه ما به عنوان انسان مشکلاتی داریم و کتاب مقدس از نظر تاریخی دقیق است. به عبارت دیگر، کتاب مقدس به ما یک کار برفی نمی‌دهد، یک داستان افسانه‌ای از این قهرمان بزرگ به ما نمی‌دهد، اما به

ما می‌گویید که این قهرمان درست مانند همه ما زگیل دارد. بنابراین این نکته را خاطر نشان می‌کند و من فکر می‌کنم به تاریخی بودن این اسناد اشاره دارد؛ اینکه آنها برای خوب جلوه دادن کسی ساخته نشده‌اند.

د. مرقس چه زمانی نوشته شد؟ [۱۰:۵۸-۸:۳۹]

؛ ۱۵:۵۳-۸:۳۹؛ تاریخ و معجزات DE ب: ترکیب

خب، انجیل مرقس چه زمانی نوشته شده است؟ پطرس، ارتباطش با پطرس، پطرس احتمالاً حدود سال میلادی خواهد مرد. پطرس همانطور که گفتیم، در روم، وارونه مصلوب خواهد شد. بنابراین چیزی که شما ۶۵ نیاز دارید این است که پطرس باید وجود داشته باشد تا انجیل مرقس را تأیید کند، به عبارت دیگر، پطرس احتمالاً تأیید خود را بر آن انجیل مرقس خواهد گذاشت، مبنی بر اینکه آنچه نوشته، صحیح بوده است. بنابراین می‌خواهم بگویم که احتمالاً مرقس را قبل از سال ۶۵ میلادی، مطمئناً، قبل از مرگ پطرس، به عقب می‌اندازد. بنابراین این می‌تواند یک نوع مرز زمانی باشد.

ترتیب سینوپتیک، حالا این سینوپتیک چیست؟ سینوپتیک، سین-اپتیک، اپتیک به معنی "چشم" است، مانند یک چشم پزشک. سین-اپتیک به معنی "با یک چشم" است. متی، مرقس و لوقا، انجیل‌های سینوپتیک نامیده می‌شوند. آنها مسیح را از طریق یک چشم می‌بینند. بسیاری از مطالب مرقس، احتمالاً ۸۰٪، ۹۰٪ مرقس (بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت) در متی و لوقا یافت می‌شود که بین متی، مرقس و لوقا مشترک است. آنها داستان یکسانی از عیسی را روایت می‌کنند. بنابراین شما همین داستان عیسی را در انجیل‌های سینوپتیک، متی، مرقس و لوقا دریافت می‌کنید که همان داستان را برای شما تعریف می‌کنند. سپس یوحنا می‌آید و یوحنا مانند چشم دیگر شما خواهد بود. آیا می‌خواهید درک عمق داشته باشید؟ به دو چشم نیاز دارید. یوحنا کاملاً متفاوت است، حدود ۹۰٪ مطالب یوحنا منحصر به فرد است. بنابراین متی، مرقس و لوقا، انجیل‌های سینوپتیک، یک تصویر از عیسی به ما می‌دهند و یوحنا تصویر دیگر را

بنابراین در انجیل‌های هم‌نوا، اکثر مردم امروزه اولویت را به مرقس می‌دهند، یعنی مرقس اول آمده و متی و لوقا از مرقس الهام گرفته‌اند. بنابراین، برخی فکر می‌کنند که این باعث می‌شود مرقس به اوایل ۴۰، ۴۵ یا میلادی عقب‌تر برود. می‌دانید، تا جایی که مرقس اولین انجیل است، متی و لوقا بعد از آن نوشته‌اند. بنابراین، ۵۰ مرقس احتمالاً قدیمی‌ترین انجیل است.

ه. پاسخ منتقدان به معجزات و پیشگویی‌ها [۱۵:۵۳-۱۰:۵۸]

نکته جالب اینجاست که در فصل ۱۳ آیه ۲، مرقس این جمله را بیان می‌کند: «آیا این همه ساختمان را می‌بینی؟» «عیسی در پاسخ گفت:» هیچ سنگی بر سنگ دیگر باقی نخواهد ماند. همه فرو خواهند ریخت.» عیسی در حالی که بر کوه زیتون، روبروی معبد نشسته بود، این را گفت.

نکته جالب اینجاست که معبد قرار است در سال ۷۰ میلادی نابود شود. منتقدان اکنون - دو چیز در مورد کتاب مقدس که منتقدان از آنها متنفرند، وقتی منتقدان به کتاب مقدس نگاه می‌کنند، دو چیز وجود دارد که آنها را دیوانه می‌کند. یکی معجزات است. بنابراین وقتی به معجزات در کتاب مقدس نگاه می‌کنید، منتقدان باید از شر معجزات خلاص شوند: بنابراین راه رفتن پطرس روی آب، برخاستن عیسی از مردگان (برای آنها به یک رستاخیز معنوی تبدیل می‌شود)، شفا دادن عیسی، زنده کردن یک دختر جوان از مردگان، زنده کردن لازاروس از مردگان، شفا دادن عیسی یک جذامی؛ و غذا دادن به ۵۰۰۰ نفر. آنها باید از شر آن معجزات خلاص شوند. ضمناً ما در عهد عتیق نیز معجزات زیادی داریم: موسی، عبور از دریای سرخ و راه رفتن یوشع در اطراف اریحا و فرو ریختن دیوارها. نمونه‌های زیادی وجود دارد: الیاس و الیشع معجزات انجام می‌دهند، و رعد و برق از آسمان. بنابراین اساساً منتقدان باید از شر معجزات خلاص شوند زیرا منتقدان می‌گویند همه چیز همانطور که هست ثابت شده است. به عبارت دیگر، قوانین علت و معلول طبیعی، قوانین علمی تغییر نمی‌کنند. معجزات خارج از آن هستند. معجزات خارج از آن هستند، بنابراین می‌گویند معجزه نمی‌تواند اتفاق بیفتد، و باید معجزات را از کتاب مقدس حذف کنند.

دومین چیزی که باید از شر آن خلاص شوند، پیشگویی‌های پیشگویانه است. در کتاب مقدس، مثلاً در اول پادشاهان ۱۳، این پیش‌بینی‌ها را داریم، جایی که می‌گوید: «یوشیا استخوان‌های کاهن را بر روی قربانگاه خواهد سوزاند» (و یوشیا ۳۰۰ سال دیگر پس از آن زنده خواهد ماند. بنابراین این پیش‌بینی ۳۰۰ سال قبل از زندگی یوشیا انجام شده است و حتی می‌گوید که او چه خواهد کرد و نام او را می‌گوید. همین موضوع در مورد کوروش نیز صادق است، شما می‌خواهید ببینید که مردم واقعاً از کوروش و پیش‌بینی‌هایی که در کتاب اشعیا در مورد کوروش انجام شده است، وحشت می‌کنند. زیرا پیش‌بینی می‌کند که کوروش تقریباً مانند یک شخصیت مسیح، نوعی بنده خداوند و مسح شده خواهد بود. این کتاب می‌گوید که کوروش از زمان اشعیا چه خواهد کرد. بنابراین منتقدان آن را به دوم، سوم، چهارم، هر تعداد اشعیا که می‌خواهید، تقسیم می‌کنند. آنها اساساً می‌گویند: «نه، این خیلی دیرتر در زمان کوروش نوشته شده است.» آنها با کتاب دانیال هم همینطور رفتار می‌کنند، دانیال همه این پیش‌بینی‌ها را می‌کند: آنتیوخوس، ایپفانیس... و آنها مجبورند تاریخ را پایین‌تر بیاورند چون نمی‌توانند پیشگویی‌های پیشگویانه داشته باشند، چون چه کسی به تنهایی می‌تواند آینده را بگوید؟ فقط خدا می‌تواند آینده را بگوید.

مرقس از قول عیسی می‌گوید، و منظور عیسی از این حرف این است که در سال ۳۲ یا ۳۳ میلادی، قبل از مرگش، او را به بالا بردند و معبد بزرگی را که هیرودیس از معبد دوم بازسازی کرده بود، به او نشان دادند. و اساساً او می‌گوید: «تمام سنگ‌ها به پایین پرتاب خواهند شد.» (وقتی رومی‌ها وارد می‌شوند) (۷۰ میلادی)، کاری که می‌کنند این است که سنگ‌ها را صاف می‌کنند و پایین می‌اندازند. اگر شما در حفاری‌های دیوار جنوبی در برنامه «گم شدن در اورشلیم» شرکت کرده باشید، در واقع این تخته سنگ‌های عظیم را که بخشی از

ساخت معبد دوم بودند، حفاری کرده و نشان داده‌اند. سپس رومی‌ها آن سنگ‌ها را هل دادند و آنها را ۶۰، ۷۰ فوت پایین انداختند. آنها به جاده رومی و این تخته سنگ‌های عظیم برخورد کردند، و من احتمالاً در مورد ۵ و ۶ فوت در ۵ و ۶ فوت صحبت می‌کنم) این سنگ زیادی است وقتی از ۵ فوت در ۵ فوت در ۵ فوت شروع می‌کنید. (این سنگ زیادی است که از ۶۰ فوت پایین می‌افتد. این سنگ سوراخ‌هایی در این جاده‌های رومی ایجاد کرد. این جاده‌های رومی که با این سنگ‌های پرچم به خوبی ساخته شده بودند، و بعد این سنگ به آن برخورد می‌کند. شما این سوراخ را درست در جاده‌های رومی می‌بینید، و دقیقاً همان چیزی بود که عیسی گفته بود. عیسی گفت که اساساً معبد فرو خواهد ریخت و تمام سنگ‌ها فرو خواهند ریخت و دقیقاً همین اتفاق افتاد.

منتقدان این را دوست ندارند، بنابراین می‌گویند که عیسی آن را پیش‌بینی نکرده است. چیزی که شما دارید است، پیشگویی پس از واقعه. به عبارت دیگر، مرقس این را پس از ویرانی معبد *vaticinium post eventum* می‌نویسد، و این کلمات سپس از زبان عیسی گفته می‌شوند. پیشگویی پس از وقوع واقعه و سپس دوباره از زبان عیسی گفته شده است. اینگونه است که منتقدان از شر این پیشگویی خلاص می‌شوند. مشکل این است که مرقس قبل از سال ۶۵ میلادی نوشته شده است، معبد اورشلیم تا سال ۷۰ میلادی، یعنی حداقل ۵ سال بعد، ویران نشده است. بسیاری از مردم فکر می‌کنند که مرقس خیلی قبل از سال ۶۵ میلادی نوشته شده است، بنابراین، این مشکلی است که منتقدان دارند. بنابراین هر وقت به آن پیشگویی بزرگ که عیسی پیش‌بینی می‌کند می‌رسید، همیشه به سراغ پیشگویی پس از واقعه می‌روند که بعداً در متن گنجانده شده است.

و. مخاطبان رومی انجیل مرقس - زبان [۱۸:۵۵-۱۵:۵۳]

ج: ترکیب مخاطبان اف اچ مارک؛ ۲۵:۵۷-۱۵:۵۳

مرقس برای چه کسی نوشته شده است؟ او برای چه کسی نوشته شده است؟ ما سعی کردیم قبل از اینکه احتمالاً مخاطب غیر یهودی وجود داشته باشد، این را مطرح کنیم. تاریخ کلیسا می‌گوید که این انجیل در روم نوشته شده است. یوسیبوس، از پدران اولیه کلیسا - خب در واقع او آنقدر که مورخ کلیسای اولیه در حدود سال میلادی بود، از پدران اولیه کلیسا نبود. پاپیاس، اوایل قرن دوم، ثبت می‌کند که مرقس احتمالاً از روم به ۳۲۵ رومیان می‌نوشت، و بنابراین تصویری بسیار متفاوت از آنچه با متی به دست می‌آورد، به دست می‌آورد. متی برای قوم یهود نوشته شده است، مرقس برای رومیان نوشته شده است، دیدگاه بسیار متفاوتی در اینجا وجود دارد.

حضور او در روم تأیید شده است. ما قبلاً به اول پطرس ۱:۵ نگاه کرده‌ایم که پطرس می‌گوید: «ای مرد، من در بابل هستم. مردم بابل و همچنین پسر مرقس به من سلام می‌رسانند.» گفتیم که بابل کلمه رمزی برای روم «بوده است. این کاملاً شناخته شده است. بنابراین، یوحنا مرقس با پطرس در روم بوده است، و این به خوبی» می‌تواند برای رومیان نوشته شده باشد. و کولسیان ۴ نیز چیزی مشابه دارد که در آن به یوحنا مرقس در روم اشاره می‌کند.

انجیل مرقس در روم نوشته شده است؛ نمونه‌هایی از چیزهای غیریهودی. او ترجمه بنابراین، احتمالاً می‌کند، مرقس عبارات آرامی را ترجمه می‌کند. بنابراین برای مثال، و بسیاری از این‌ها را که شما می‌شناسید، در باب ۵ آیه ۴۱، عیسی قرار است این دختر کوچک را شفا دهد (او را از مردگان برخیزاند)، و اساساً او به سراغ دختر می‌آید و می‌گوید، «تالیثا کوم». که یعنی تالیثا به معنای «دختر کوچک» است، و کوم به معنای «برخیز، برخیز». «بنابراین» دختر کوچک، برخیز. «و بعد اتفاقی که می‌افتد این است که در کتاب متی، فصل ۵، آیه ۴۱، آمده است»: دستش را گرفت و به او گفت: «تالیثا کوم» «این به زبان آرامی است و یک یهودی می‌دانست که منظور چیست، اما مرقس در داخل پرانتز می‌گوید، چون او برای مخاطبان رومی می‌نویسد (آنها زبان آرامی نمی‌دانند)، می‌گوید]: «که به معنی «ای دختر کوچک، به تو می‌گویم برخیز» است.» بنابراین او این عبارات را توضیح می‌دهد.

نگاه کنیم. در اینجا آمده است که یعقوب و یوحنا، و اجازه دهید فصل ۳ آیه *boanerges* بیابید به کلمه را داد [Boanerges یا لقب] را بخوانم: «یعقوب پسر زبدی و برادرش یوحنا» هر دو پسر زبدی (به آنها نام ۱۷ که به معنی [و سپس آن را ترجمه می‌کند] پسران رعد است «حال وقتی او می‌گوید «پسران رعد»، آیا این بدان معناست که زبدی، پدر آنها، مردی رعدآسا بود؟ منظور شما از پسران رعد این است که زبدی مردی رعدآسا بود، نه؛ وقتی او می‌گوید پسران رعد، به این معنی است که آنها آن ویژگی را دارند. بنابراین وقتی کسی را پسر چیزی می‌نامید، در مورد پدر او صحبت نمی‌کنید، بلکه می‌گویید که خود آنها آن ویژگی را دارند. بنابراین به هر حال، *را* به معنای «پسران رعد» ترجمه می‌کند *Boanerges* مرقس.

ز. مخاطبان رومی مرقس - آداب و رسوم، قانون و جغرافیا [22:54-18:55]

او آداب و رسوم یهودی را توضیح می‌دهد. بنابراین، آداب و رسوم یهودی، اجازه دهید فقط چند مثال از انجیل مرقس ۱۲:۱۴ برای شما بیاورم. در آن آمده است: «در اولین روز عید فطیر، که رسم است بره فصح را قربانی کنند.» بنابراین بره فصح در اولین روز عید فطیر قربانی می‌شود. عید فطیر به مدت هفت روز ادامه خواهد داشت، اما در اولین روز عید فطیر، بره فصح و چیزهایی که از خروج ۱۲ در مورد آنها آموختید، در عید فصح است. بنابراین مرقس سپس می‌گوید: «در اولین روز عید فطیر که رسم است بره فصح را قربانی کنند، شاگردان عیسی از او پرسیدند: «کجا می‌خواهی برویم تا برایت تدارک ببینیم تا عید فصح را بخوری؟» بنابراین وقتی رسم است بره فصح را قربانی کنیم»، اگر مخاطب یهودی بود، این توضیح لازم نبود. اگر یهودی بودید، در «تمام طول عمرتان عید فصح را برگزار می‌کردید، دقیقاً می‌دانستید که بره عید فصح چه زمانی ذبح می‌شود.

حالا یک مورد بزرگتر، فصل ۷ آیه ۲، ما قبلاً به آن نگاه کرده‌ایم اما جالب است. وقتی فریسیان می‌گویند: بعضی از شاگردانش با دست‌هایی که نجس بودند (یعنی نشسته بودند) غذا می‌خوردند «سپس در داخل پرانتز»

توضیحی دارید]»: فریسیان و همه یهودیان غذا نمی‌خورند مگر اینکه دست‌های خود را طبق سنت بزرگان هنگام ورود از بازار بشویند» [شما مجبور نیستید این توضیح را برای یک فرد یهودی بیان کنید. شما واقعاً باید این را بیان کنید زیرا یک غیریهودی، یک رومی، نمی‌فهمد که چرا یهودیان همیشه دست‌های خود را می‌شستند؟ بنابراین مرقس دوباره در آنجا توضیح مفصلی در مورد آن ارائه می‌دهد و نوعی دیدگاه غیریهودی را نشان می‌دهد.

در کتاب مرقس هیچ اشاره‌ای نشده است، در کتاب متی آمده است: «عیسی گفت: من نیامده‌ام تا شریعت را باطل کنم، بلکه آمده‌ام تا آن را به انجام برسانم» [صحبت‌های زیادی در مورد تورات، یعنی شریعت، وجود دارد، اما آن آیه در کتاب مرقس ذکر نشده است. باز هم، وقتی به یک مخاطب رومی می‌گویید: «من نیامده‌ام تا شریعت را باطل کنم، بلکه آمده‌ام تا آن را به انجام برسانم»، به یک رومی می‌گویید «شریعت»، او احتمالاً به برخی از مراحل قانونی روم در سنا که در روم در حال انجام است فکر می‌کند، نه به موسی. آنها خیلی از موسی آگاه نبودند.

بنابراین، در مورد فرستادن دوازده نفر، به یاد داشته باشید که گفتیم فرستادن دوازده نفر فقط برای یهودیان بود و نه برای رفتن به سوی غیریهودیان. آن بخش از انجیل مرقس که در متی ۱۰ در مورد فرستادن دوازده نفر آمده است، در کتاب مرقس یافت نمی‌شود. او کل ماجرای فرستادن دوازده نفر را نادیده می‌گیرد. این منطقی است زیرا یهودیان، وقتی برای اولین بار دوازده نفر را فرستادند، فقط برای خاندان اسرائیل بود و نه برای غیریهودیان. بنابراین مرقس این را حذف می‌کند.

مرقس جغرافیا را توضیح می‌دهد. رومی‌ها جغرافیای فلسطین را نمی‌دانستند. آنها نمی‌توانستند به نقشه‌های گوگل دسترسی پیدا کنند و به آنجا بروند و ببینند که آنجا چگونه بوده است. بنابراین آنچه اتفاق می‌افتد این است که در فصل ۱۳ آیه ۳ آمده است: «همانطور که عیسی بر کوه زیتون روبروی معبد نشست بود» [بنابراین آنچه شما دارید کوه زیتون است که در اینجا حدود ۲۷۰۰ فوت ارتفاع دارد، کوه معبد (احتمالاً حدود ۲۳۰۰ فوت) و آنچه شما دارید این است که به دره‌ای می‌رود، کیدرون یا یهوشافاط، از طرف دیگر بالا می‌آید. بنابراین اگر در کوه زیتون هستید، روبروی معبد هستید. بنابراین، قبه الصخره امروز، و اگر برخی از شما در برنامه «گمشده در اورشلیم» بوده‌اید، دیده‌اید که کوه زیتون مشرف به این معبد، منطقه معبد است. بنابراین مرقس می‌گوید که آنها این را نمی‌دانند. بنابراین آنها می‌گویند که عیسی بر کوه زیتون است. آنها تفاوت بین کوه زیتون و کوه حرمون را نمی‌دانند. مرقس می‌گوید: «نه، نه، کوه زیتون روبروی معبد است» [بنابراین، لازم نیست این را برای یک یهودی که برای جشن به اورشلیم رفته و کوه زیتون را می‌شناسد توضیح دهید. باید این را برای یک رومی توضیح دهید.

ح. مخاطب لاتین - زبان و رومی ذکر شده [25:57-22:54]

بنابراین برای مخاطبان لاتین، اینجا چیزی از زبان‌ها وجود دارد (و باز هم این موضوع مهمی نیست)، اما جالب است. او عبارات یونانی خاصی را می‌گیرد و معادل لاتین آنها را به شما می‌دهد. باز هم، اگر برای

مخاطبان یهودی می‌نوشتید، این کار را نمی‌کردید، اما اگر برای مخاطبان لاتین یا رومی می‌نوشتید، متن رومی را یونانی است، به معنی «کاخ» است، اما *aulace*، که به معنی «کاخ» است *aulace* به کار می‌بردید. بنابراین سپس مرقس می‌گوید: «این *پراتوریوم* است». «و وقتی کلمه «*پراتوریوم*» را می‌بینید، و من این را اینجا را می‌بینید، مطمئناً یک اصطلاح لاتین *ium* - بررسی کردم، برخی از دانش‌آموزانم لاتین داشتند، وقتی آن پایانه است، *پراتوریوم*، که اساساً به معنی کاخ است. از مرقس ۱۶: ۱۵، نشان می‌دهد که مرقس از یونانی تغییر کرده است، و او این نوع عبارت‌پردازی لاتین را به آن می‌دهد، *پراتوریوم*، فقط برای اینکه آنها بفهمند که او در مورد نوع خاصی از کاخ صحبت می‌کند. بنابراین این تأثیر لاتین یا رومی را نشان می‌دهد. من خیلی به زبان لاتین علاقه ندارم؛ کمی لاتین یاد گرفته‌ام، اما همیشه می‌گویم که به نظر می‌رسد لاتین از نیمی از زبان یونانی کپی شده است. بنابراین اگر با زبان لاتین کار کرده‌اید، طبیعی است که با زبان یونانی هم کار کنید، چون از خیلی جهات خیلی شبیه به هم هستند.

حالا یکی دیگه هم هست، و این در واقع خیلی عجیبه. فکر می‌کنم خیلی خنده‌داره، پس بذار به کاریش بکنم. یادت هست شمعون قیروانی بود که قرار بود عیسی صلیب رو حمل کنه و اونقدر کتک خورد که به سختی می‌تونست صلیب رو حمل کنه. اون باید صلیب خودش رو تا جلجتا حمل کنه. عیسی نمی‌تونه صلیب رو حمل کنه چون ضعیف شده بود. خب، اتفاقی که افتاد این بود که این یارو شمعون قیروانی رو گرفتن، اون اهل قیروانیه. حالا قیروان کجاست؟ نمی‌تونم بگم دست منه، اما فرض کنید دست من چکمه ایتالیاست. این چکمه ایتالیاست، قیروانی درست اون طرف مدیترانه در لیبیه. پس معلوم میشه که به رومی‌ها اشاره شده. روفوس و اسکندر، معلوم میشه که اینا بچه‌های شمعون قیروانی هستن. شمعون قیروانی که صلیب عیسی رو حمل کرد، بچه‌هایش روفوس و اسکندر مسیحی شدن و مرقس در فصل ۱۵ آیه ۲۱ از شون یاد می‌کنه، پولس هم در کتاب رومیان همین کار رو می‌کنه. بدیهی است که کتاب رومیان خطاب به رومیان نوشته شده است (که تا حدودی منطقی است)، بنابراین رومیان خطاب به رومیان نوشته شده است و در فصل ۱۶ آیه ۳۰، پولس به همه این افراد و مادرانشان سلام می‌کند. پولس در پایان کتاب رومیان این سلام و احوالپرسی مفصل را انجام می‌دهد و دو نفر از افرادی که به آنها سلام می‌کند، روفوس و اسکندر هستند. معلوم می‌شود که مرقس نیز به آنها سلام می‌کند. در مورد نوشته پولس به روم، پیشنهاد این است که روفوس و اسکندر در روم هستند، بنابراین با این زمینه رومی مطابقت دارد.

I. چارچوب مفهومی و هدف مرقس از نگارش [۵۷:۲۵-۰۹:۲۸]

OT هدف، انجیل، استنادات; 25:57-35:15; IK; 25:57-35:15 د ترکیب

کتاب مرقس چارچوب مفهومی رومی دارد. این کمی انتزاعی‌تر است، اما اساساً مفهوم قدرت، به نظر می‌رسد عبارت دیگر، قدرت در کتاب مرقس اهمیت زیادی دارد. عیسی همه این کارها را با اقتدار و با قدرت انجام می‌دهد. روم در قدرت است. بنابراین شما در گرگاسا شاهد اهریمنی گرگاسا با لژیون شیاطینی خواهید بود که به

درون خوک‌ها انداخته شده‌اند و خوک‌ها از تپه می‌دوند. مرقس این را به طور گسترده شرح می‌دهد. بنابراین شما شیاطین را دارید. جمعیت؛ عیسی جمعیت زیادی دارد؛ عیسی نمی‌تواند برخی از معجزات خود را انجام دهد. عیسی به دلیل جمعیت زیاد سوار قایق می‌شود. جمعیت: این با صحنه رومی مطابقت دارد؛ ضیافت‌ها، که با روم نیز مطابقت دارد. بنابراین، این نوعی انتزاعی است، انتزاعی‌تر، اما قدرت، شیاطین، جمعیت و ضیافت‌ها. اینها چیزهایی هستند که به نظر می‌رسد با یک سناریوی رومی مطابقت دارند.

بنابراین، چیزی که تا اینجا سعی دارم پیشنهاد بدهم این است که همزمان با تلاش برای درک مخاطبی که مرقس برایش می‌نویسد، باید بفهمیم که مرقس که بوده است. برای درک کتاب باید چیزی در مورد نویسنده بدانید، و فکر می‌کنم باید رابطه بین نویسنده و مخاطب را نیز درک کنید. چه بحرانی یا هر چیز دیگری این نویسنده را وادار به نوشتن این مطالب برای این مخاطب کرده است. پس چه پویایی بین این دو وجود داشته و معلوم می‌شود که هم نویسنده و هم مخاطب مهم هستند. حال، این احتمال وجود دارد که حواریون رو به زوال بوده‌اند و مردم روم نزد مرقس آمده و گفته‌اند: «مرقس، آیا این مطالب را می‌نویسی؟ تو پطرس را بهتر از هر کس دیگری می‌شناسی. تو حواریون را می‌شناسی؛ آنها هنگام برگزاری شام خداوند (از این قبیل چیزها) در خانه تو بودند. مرقس، لطفاً برای ما انجیل بنویس.» بنابراین ممکن است با پیر شدن و فوت شاگردان، فراخوانی برای نوشتن انجیل به رومیان وجود داشته باشد تا بگویند: «هی! ما می‌خواهیم درباره عیسی بیاموزیم. آنچه را که درباره عیسی می‌دانید به ما بگویید.» سپس مرقس توانست داستان پطرس را تفسیر یا بازگو کند.

ج. تصویر مسیح - انجیل اول [۲۸:۰۹-۱۹:۳۱]

حالا بیایید به تصویر مسیح در کتاب مرقس نگاهی بیندازیم. مرقس چگونه مسیح را به تصویر می‌کشد؟ نمی‌خواهم خیلی به این نکته اول بپردازم. فقط بگذارید بگویم، به نظر من مرقس خلاصه است. پطرس انجیل را خلاصه می‌کند. در اعمال رسولان فصل 10 آیه 34-43، پطرس یک موعظه کوچک، یک موعظه خلاصه کوچک کمی کمتر از 10 آیه (حدود 9 آیه یا بیشتر) ارائه می‌دهد، پطرس انجیل عیسی مسیح را در اعمال رسولان فصل 10 آیه 34 و بعد خلاصه می‌کند. معلوم می‌شود که کتاب مرقس، اگر آن موعظه خلاصه کوچک که پطرس ارائه داد را با کتاب مرقس مقایسه کنید، مثل دست و پا با هم جور در می‌آیند. بنابراین ارتباط جالبی بین آن خطبه پطرس و کتاب اعمال رسولان وجود دارد، زیرا می‌توان گفت که مرقس انجیل پطرس را می‌نویسد.

بنابراین، مرقس اولین کسی است که کتاب خود را «انجیل» نامید، و در واقع من فکر نمی‌کنم که این اصطلاح ژانر باشد، اینکه او می‌گوید «من می‌خواهم یک انجیل بنویسم»، همانطور که قبلاً بود: متی یک انجیل بود، مرقس یک انجیل بود، لوقا یک انجیل بود، و یوحنا یک انجیل بود. فکر نمی‌کنم منظور او از انجیل به عنوان *eu-* یک ژانر ادبی این باشد. او آن را اولین انجیل می‌نامد و آن را به عنوان یک انجیل معرفی می‌کند. او آن را به معنی «خوب» است. بنابراین اگر *Eu* می‌نامد که همان انجیل است، کلمه «انجیل» در یونانی *aggelion*

بخواهید از یک حسن تعبیر استفاده کنید، حسن تعبیر چیست؟ اگر فرض کنید کسی مرده است و بگویید آن شخص قور قور کرد، این حسن تعبیر نیست. قور کردن یک چیز بسیار منفی است، بنابراین چه می‌گویید؟ «آنها از دنیا رفتند.» به عبارت دیگر، آنها فوت کردند، یا به خاک سپرده شدند یا چیزی شبیه به این. حسن تعبیر زمانی است که شما چیز خوبی در مورد چیزی می‌گویید. مدح، آیا تا به حال شنیده‌اید که کسی مدح بگوید؟ پدرم، بعد از فوتش، است، به *logos* مانند *logy*، به معنی "خوب" است *eu*، گفت که نمی‌خواهد کسی در مورد او مدح بگوید. مدح خوب، یک مدح *logos* معنی "یک کلمه خوب". بنابراین معمولاً وقتی شخصی می‌میرد، یک *angel* دارید، می‌توانید اینجا شبیه *eu-aggelion* خوب در مورد آن شخص می‌گویند. و بنابراین اینجا، می‌شود *eu-aggelion* تبدیل می‌شود، بنابراین *n* اول در یونانی به *g*؟ در واقع *Angel* ببینید، درست است؟ به معنی "یک پیام خوب" است. فرشته چیست؟ فرشته به سادگی یک پیام‌رسان است. کلمه *eu-aggelion* به معنی "پیام‌رسان" است. این لزوماً به این معنی نیست که آنها بال داشتند، فقط به معنی یک پیام‌رسان *aggelos* است. بنابراین انجیل یک پیام خوب است.

انجیل یک اعلامیه است. آنچه مرقس می‌نویسد، اعلام خبر خوش یا پیام خوب است. بنابراین، در واقع، مرقس در اولین آیه کتابش، آن را اینگونه معرفی می‌کند.

ک. مرقس به اشعیا استناد می‌کند [۱۹:۳۱-۱۵:۳۵]

حالا چیزهای دیگری هم در این آیه اول وجود دارد که می‌خواهم در انجیل مرقس به آنها بپردازم. بگذارید کمی مکث کنم و آیه اول کتاب مرقس را بخوانم. متوجه خواهید شد که در متی هم به آیه اول خیلی توجه کردیم. فکر می‌کنم او در آیه اول، کاری را که انجام می‌دهد، پایه‌گذاری می‌کند.

و بنابراین در مرقس فصل ۱ آیه ۱ این را می‌گوید، «آغاز انجیل» یا بشارت (، آغاز بشارت درباره عیسی مسیح، پسر خدا. در اشعیا نبی نوشته شده است): من رسول خود را پیشاپیش شما خواهم فرستاد که راه شما را آماده خواهد کرد. صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند، راه را برای خداوند آماده کنید. راه‌های او را هموار کنید.» و بنابراین یحیی در منطقه بیابانی تعمیم داد. حال، این موضوع از این آیه اول چند سوال ایجاد می‌کند. چیزی که به دست می‌آید چیزی شبیه به این است. آیا یوحنا مرقس از کتاب مقدس اشتباه نقل قول می‌کند؟ بگذارید دوباره این را بخوانم و بگویم که یوحنا مرقس، و می‌خواهم بگویم که در اینجا اشتباه می‌کند، می‌گوید: «در اشعیا نبی نوشته شده است: من رسول خود را پیشاپیش شما خواهم فرستاد که راه شما را آماده خواهد کرد.» آیا این از اشعیا است؟ او می‌گوید: «در اشعیا نبی نوشته شده است که 'من رسول خود را پیشاپیش شما خواهم فرستاد'! این از اشعیا نیست، این از ملاکی ۱:۳ است. این از - او می‌گوید که اشعیا نبی می‌گوید: «من رسول خود را پیشاپیش شما خواهم فرستاد.» این از ملاکی است، نه اشعیا. بگذارید فقط ملاکی ۱:۳ را برای شما بخوانم. ببینید، من رسول خود را خواهم فرستاد که راه را پیش روی من آماده خواهد کرد.» این چیزی است که او نقل می‌کند.» آنگاه

خداوند متعال می‌گوید: خداوند متعال می‌گوید: «آنگاه خداوندی که شما به دنبالش هستید، ناگهان به معبد خود خواهد آمد. رسول عهدی که شما آرزویش را دارید، خواهد آمد.» بنابراین برخی می‌گویند که مرقس از عهد عتیق اشتباه نقل قول کرده است. او در واقع گفته است که این از اشعیا است، اما در واقع از ملاکی بود.

آیا حقیقت را می‌دانید؟ این فقط از ملاکی نیست. این «ببینید، من این رسول را می‌فرستم تا پیشاپیش من برود»، در واقع از خروج ۲۳، به گمانم آیه ۲۰ آن، پژواک دارد. بنابراین پژواکی در خروج ۲۳:۲۰ وجود دارد. سپس به طور خاص از فصل ۳ ملاکی پژواک یافته و سپس آیه بعدی چه می‌گوید؟ آیه بعدی این را می‌گوید: «من رسول خود را پیشاپیش شما خواهم فرستاد که راه شما را آماده خواهد کرد»، و آن ملاکی است. صدای کسی که در بیابان فریاد می‌زند»، یعنی اشعیا ۴۰:۳. بنابراین کاری که مرقس اینجا انجام می‌دهد، او یک نقل قول ترکیبی است. او می‌گوید اشعیا این را گفته است زیرا اشعیا پیامبر بزرگ است. ملاکی کیست؟ می‌دانید، اکثر مردم احتمالاً نمی‌دانند. شما می‌گویید که آنها ملاکی را در روم نمی‌شناسند زیرا - من اغلب گفته‌ام که ملاکی آخرین پیامبر ایتالیایی است. نام او ملاکی است، اما من او را ملاکی، آخرین پیامبر ایتالیایی می‌نامم، اما ایتالیایی‌ها ممکن است او را می‌شناخته‌اند. نه، نه، این یک شوخی است. اما چیزی که اینجا دارید این نقل قول ترکیبی است که در آن او تفکری از کتاب خروج را تکرار می‌کند. او به طور خاص از ملاکی نقل قول می‌کند و این نقل قول از اشعیا را که به یحیی تعمید دهنده اشاره دارد، همانطور که در آیه بعدی خواهیم دید، با آن ترکیب می‌کند. سپس می‌گوید همانطور که اشعیا گفت. «بنابراین، به عبارت دیگر، او فهرست نمی‌کند و می‌گوید "خب، در واقع من یک نقل" قول ترکیبی از کتاب خروج، ملاکی و اشعیا می‌آورم"، او فقط از اشعیا به عنوان مکان بزرگی که به آن اشاره می‌کند، نقل قول می‌کند. ضمناً، آنها مانند ما پاورقی نمی‌نویسند، جایی که هر جزئیات کوچک باید پاورقی شود. او فقط از شخص اصلی که نقل قول می‌کند نقل قول می‌کند.

ل. مرقس الوهیت مسیح را تأیید می‌کند [۱۵:۳۵-۱۳:۴۰]

؛ 46:13-35:15؛ الوهیت و انسانیت مسیح در مرقس LN ه: ترکیب

اما حالا چیزی که برای من جالب است این است که پیام‌آوری که راه را از قبل آماده می‌کند، در آن مرحله به نظر می‌رسد که یک تغییر در نقل قول وجود دارد. نقل قولی که او می‌کند در واقع دقیقاً از ملاکی نقل قول نمی‌کند و من می‌خواهم ببینم - آیا در مورد ضمائر شخصی می‌دانید؟ ضمائر شخصی مهم هستند. ما یک ضمیر اول شخص داریم که چیست؟ "من". یک ضمیر دوم داریم که "تو" است و یک ضمیر سوم شخص داریم که "او"، او "یا" آن "است. بنابراین شما من (اول شخص)، شما (دوم شخص)، او/او/آن (سوم شخص) را دارید. حالا ببینید اینجا چه اتفاقی می‌افتد. او می‌گوید: «من پیام‌آور خود را پیشاپیش شما می‌فرستم»، در مرقس آمده است "شما"، اما اگر به ملاکی برگردید، ملاکی در واقع چه می‌گوید؟ این چیزی است که ملاکی در واقع می‌گوید: «من پیام‌آور خود را خواهم فرستاد»، منی که صحبت می‌کند کیست؟ خب، می‌گوید خداوند متعال، یهوه متعال. خداوند متعال صحبت

می‌کند و می‌گوید: «من پیام‌آور خود را خواهم فرستاد که راه را از قبل آماده کند»، چه کسی؟ «قبل از من». بگذارید دوباره آن را بخوانم، «من رسول خود را خواهم فرستاد که راه را پیش روی من آماده خواهد کرد». مرقس می‌گوید: «رسول راه را پیش روی تو آماده خواهد کرد»، که به عیسی اشاره دارد. پس این چه ارتباطی ایجاد می‌کند؟ مرقس می‌گوید: «خداوند متعال می‌گوید، رسول خود را خواهم فرستاد تا راه را برای من آماده کند»، خداوند رسول خود را فرستاد تا راه را پیش روی تو، عیسی، آماده کند. آنچه می‌گوید این است که عیسی خداوند متعال است. بنابراین، این آیه دوم در اینجا، تأیید الوهیت خداست، که همینطور است. در ملاکی، خدا می‌گوید که رسول پیشاپیش خدا خواهد رفت. معلوم می‌شود که رسولی که پیشاپیش او می‌رود کیست؟ این عیسی است، شما، و بنابراین تغییر ضمائر در آنجا فوق‌العاده است. آنچه در عهد عتیق برای خدا، یهوه، در عهد عتیق، به کار می‌رفت، برای عیسی در اینجا، درست در ابتدای کتاب مرقس، اعمال می‌شود.

یه جورایی خنده‌داره، وقتی مردم می‌خوان الوهیت مسیح رو بررسی کنن، همیشه به کتاب یوحنا مراجعه می‌کنن. آگه شاهدان یهوه میان و سعی می‌کنن بگن عیسی خدا نیست، یهوه هست، اون یه خداست؛ مردم همیشه به کتاب یوحنا مراجعه می‌کنن. اما اینجا در این نقل قول از ملاکی، با تغییر ضمائر به این شکل، معلوم می‌شه که مرقس، عیسی مسیح رو با خدای قادر مطلق، با خداوند قادر مطلق برابر می‌دونه. پس این یه نقل قول فوق‌العاده‌ست که مرقس اونجا کنار هم گذاشته. واقعاً دیدنیه.

خب، چه اتفاقی می‌افتد؟ آنجا پیام‌آور راه را پیش روی من آماده می‌کند، و این به یهوه/یهوه اشاره دارد. اینجا هیچ مصوتی ندارد. برخی از یهودیان آن YHWH آنها این را اینگونه خلاصه می‌کنند؛ ضمناً، می‌بینید که را به این شکل می‌نویسند، و همچنین برخی از مسیحیان، زیرا نمی‌توانید آن را تلفظ کنید زیرا هیچ مصوتی در آنجا وجود ندارد. دلیل اینکه آنها این کار را می‌کنند این است که نمی‌خواهند نام خدا را در یک متن نامناسب تلفظ کنند تا کفرگویی محسوب شود. بنابراین برای جلوگیری از کفرگویی به نام خدا، مصوت‌ها را حذف می‌کنند تا شما که به معنی پروردگار است. به جای گفتن، *Adonai* اصلاً آن را نگویند و در واقع در نهایت می‌گویند به معنی «یا عباراتی از *hashem* که به معنی پروردگار است، یا می‌گویند *Adonai* می‌گویند، *Yahweh*، این قبیل.

بنابراین پیام‌آور راه را پیش روی من آماده می‌کند، یهوه، عیسی را آشکار می‌کند و مرقس آن را برمی‌دارد و نقل قول را عوض می‌کند. حالا اینجا، مرقس فصل ۱ آیه ۳ می‌گوید: «صدایی که در بیابان فریاد می‌زند، راه خداوند را آماده کنید»، «راه خداوند را آماده کنید»، «راه خداوند را آماده کنید». «این از اشعیا ۴۰:۳ می‌آید. مرقس می‌گوید که این از اشعیا آمده است و بنابراین این نوعی نقل قول ترکیبی است». راه را پیش روی خداوند آماده کنید. «خداوندی که راهش آماده می‌شود کیست؟ این یحیی تعمید دهنده است که راه را پیش روی عیسی آماده می‌کند. بنابراین، دوباره، عیسی در اینجا با یهوه مرتبط می‌شود، و «صدای فریاد زنده در بیابان» یحیی تعمید دهنده خواهد بود که در آیه بعدی در مرقس ۱:۴ معرفی می‌شود. بنابراین تمام چیزی که من سعی دارم

بگویم این نقل قول است، هر دو نقل قول از ملاکی و اشعیا، هر دو به عیسی به عنوان یهوه اشاره می‌کنند. اینکه خدا «پیامبر خود را خواهد فرستاد تا راه را پیش روی من آماده کند»، معلوم می‌شود که آن «من» عیسی است، اما همچنین یهوه است، و صدای کسی که در بیابان ندا می‌دهد، راه خداوند را آماده می‌کند، معلوم می‌شود که عیسی است و یحیی تعمید دهنده قرار است آن را به انجام برساند. بنابراین اینها چیزهای بسیار جالبی هستند که در آنجا اتفاق می‌افتند.

م. انجیل چیست؟ [۱۳: ۴۰-۲۹: ۴۳]

حالا انجیل، ما در مورد آن به عنوان خبر خوب صحبت کردیم، چرا به آن «خبر خوب» می‌گویند؟ فقط می‌خواهم پیشنهاد کنم، وقتی به «خبر خوب، اربابه‌های آینده، خبر خوب» فکر می‌کنید، یک میلیون چیز وجود دارد. خبر خوب انجیل چیست؟ اساساً مسائل مربوط به زندگی و مرگ، اینکه مرگ سلطنت نمی‌کند، عیسی قدرت مرگ را نابود کرد. مرگ در نهایت پیروز نمی‌شود. مرگ در نهایت پیروز نمی‌شود، اما رستاخیزی وجود دارد، یک *آناستاز وجود دارد*، رستاخیزی وجود دارد. بنابراین زندگی بر مرگ، گناه و بخشش پیروز می‌شود - یا گناهان ما را به مرگ محکوم کرده‌اند». همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند» «زیرا مزد گناه مرگ است». و آنچه اتفاق می‌افتد از طریق عیسی مسیح بخشیده می‌شود، خبر خوب این است که ما بار گناه خود را تحمل نمی‌کنیم، که عیسی مسیح برای گناه ما مرد و ما «اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد». و بنابراین این یک چیز باورنکردنی است، گناهی که بر ما تحمیل می‌شود. مزد گناهی که ما را به مرگ محکوم می‌کند، عیسی مسیح، بره خدا، گناه جهان را برمی‌دارد. پوچی و عشق (پیام بزرگ عیسی)؛ می‌دانید، یکدیگر را دوست بدارید همانطور که من شما را دوست داشته‌ام، در مقابل پوچی و بیگانگی ناشی از درک اینکه چقدر در کیهان تنها هستیم، چقدر در جنبه‌های مختلف زندگی خود تنها هستیم. عیسی امکان عشق و پیوند عشقی را فراهم می‌کند، مردم را به هم پیوند می‌دهد. نفس زندگی، می‌دانید، نفس زندگی چیست و فقط می‌گذرد.

من همیشه به مردم می‌گویم که در کالج گوردون کار می‌کنم. اگر من از دنیا بروم و ظرف یک یا دو سال به جای دیگری بروم، هیچ‌کس شما را به یاد نمی‌آورد. این چیزهایی هستند که فکر می‌کنید دستاوردهای بزرگ زندگی شما هستند، متوجه می‌شوید که چقدر شکننده هستند. هیچ‌کس واقعاً نمی‌داند یا اهمیتی نمی‌دهد. اهمیت اهمیت چیست؟ اهمیت ما در خداوند است، امکان خدمت به خدای متعال، صرف نظر از نفس زندگی. این آشتی بین خدا و بشر است؛ آشتی که در آن خدا به دلیل گناهان ما بیگانه شده بود، اکنون آشتی وجود دارد. انسان‌ها به باغ عدن بازمی‌گردند. اساساً انسان‌ها از باغ بیرون رانده شدند، از خدا بیگانه شدند و اکنون ناگهان تمام کتاب مقدس در مورد این خبر خوب صحبت می‌کند. بله، انسان از حضور خدا بیرون رانده شد، اما تمام کتاب مقدس می‌گوید، خدا به سوی قوم خود می‌آید و سعی می‌کند راه بازگشت را باز کند تا خدا بتواند عمانوئیل را به او بازگرداند، تا بتواند برای همیشه با قوم خود ساکن شود. بنابراین این آشتی، داستان کل کتاب مقدس است و اینکه

چرا کتاب مقدس در مکاشفه فصل ۲۱ و ۲۲ با آمدن معبد خدای ما، اورشلیم جدید، به پایان می‌رسد و شما این اتحاد دوباره خدا و انسان را برای همیشه و تا ابد دارید. پادشاهی آسمان نزدیک است، و بنابراین این نوع مفاهیم خبر خوبی هستند. پادشاهی آسمان نزدیک است، و در واقع، من معتقدم که هست. بنابراین خبر خوب، و یک میلیون چیز دیگر وجود دارد) اینها فقط چند چیز انتزاعی هستند که می‌خواهیم در مورد آنها فکر کنیم)

ن. انسانیت و الوهیت عیسی در انجیل مرقس [۴۳:۲۹-۴۶:۱۳]

حالا کتاب مرقس جالب است. متی مسیح را به عنوان پادشاه به تصویر می‌کشد، یوحنا کارهای زیادی به عنوان مسیح پسر خدا انجام می‌دهد. مرقس مسیح را به شکلی بسیار انسانی به تصویر می‌کشد. در مرقس ۲:۱۶، در فصل ۱۵ آیه ۳۶، عیسی را در حال خوردن و آشامیدن می‌بینید. در فصل ۱۱ آیه ۱۲، عیسی را گرسنه می‌بینید، آیا عیسی تا به حال گرسنه بوده است؟ در فصل ۱۱ آیه ۱۲، عیسی را گرسنه می‌بینید. سپس عیسی مردم را لمس می‌کند، در فصل ۱ آیه ۴۱، او مردم را لمس می‌کند. سپس در فصل ۳ آیه ۵) من حتی آن را اینجا فهرست کرده‌ام(، عیسی عصبانی می‌شود. قبلاً گفتیم که مردی با دست ناقص بود و فریسیان او را نزد عیسی آوردند تا ببینند آیا او او را در روز سبت شفا می‌دهد یا خیر، و عیسی به آنها حمله کرد و گفت: «ای مرد «و با عصبانیت به آنها نگاه کرد،» و عیسی با عصبانیت به آنها نگاه کرد «بنابراین عیسی از فریسیان عصبانی می‌شود زیرا آنها می‌خواهند سبت را به خاطر این مرد با دست ناقص گرامی بدارند. بنابراین عیسی مردی را که دستش از کار افتاده بود شفا می‌دهد و می‌گوید: «خوب است که در روز سبت کار نیک انجام دهیم.» بنابراین عیسی آنها را اصلاح می‌کند. بنابراین این نکته جالبی است که ریموند براون، یک متکلم بزرگ کاتولیک رومی که در مورد کتاب یوحنا و انجیل‌ها مطالب زیادی نوشته است، گفت که اگر فقط پولس را داشتیم، الهیات مسیح را داشتیم؛ مرقس چهره‌ای از مسیح را نشان می‌دهد. من با این موافقم که مرقس مسیح را به شکلی بسیار انسانی به تصویر می‌کشد. بنابراین شما می‌توانید جنبه انسانی عیسی را در مرقس ببینید.

حالا مسیح در کتاب مرقس الهی است، بله، چیزهایی هست که گفتیم یحیی شروع به غسل تعمید می‌کند تا راه را برای عیسی آماده کند، او گفت، "پیش از راه خداوند." مرقس فصل ۱ آیه ۱۱ می‌گوید: "تو پسر من هستی." و در واقع از مزمور فصل ۲ آیه ۷ نقل قول می‌کند، که پسر خدا مسیح است. بنابراین مرقس نقل قول دیگری از عهد عتیق از مزمور فصل ۲ دارد، این یکی دیگر است؛ در واقع می‌توانید به این موضوع بپردازید و کل مزمور فصل ۲ را توسعه دهید. این "پسر" که در اینجا به آن اشاره شده است، "تو پسر من هستی، امروز تو را به دنیا آوردم و پدر تو شدم" کیست؟ همچنین جمله‌ای که از یحیی تعمید دهنده می‌آید: "من از تو بسیار خشنودم" و این مفهوم بنده رنج‌کشیده که خدا روح خود را بر او خواهد گذاشت و او نجات و عدالت را به زمین خواهد آورد. بنابراین این نوع چیز، بنابراین عیسی در آنجا پسر خدا محسوب می‌شود.

O.]50:30-46:13[خودشناسی عیسی به عنوان پسر انسان

ف: ترکیب یا؛ ۱۳:۴۶-۵۴:۶۲؛ پسر انسان

حالا می‌خواهم بحث را عوض کنم، و دو نکته‌ی مهم در مورد کتاب مرقس وجود دارد که می‌خواهم به آنها بپردازم، و این دو نکته‌ی مهم هستند - ما در مورد پیشینه‌ی شخصی زیادی (مخاطبان رومی) صحبت کرده‌ایم. دو مورد از مواردی که در کتاب مرقس زیاد مطرح می‌شوند: یکی، خود-نام‌گذاری عیسی. عیسی چگونه خود را معرفی می‌کند؟ عیسی خود را چه می‌نامد؟ عیسی بارها خود را پسر انسان می‌نامد، تا جایی که به خود-شناسایی خود می‌پردازد، عیسی خود را پسر انسان می‌نامد. بنابراین من فقط می‌خواهم این را بررسی کنم و سپس بحث کنم، منظور عیسی از این اصطلاح "پسر انسان" چیست؟ اصطلاح پسر انسان به چه معناست؟ بنابراین اول از همه، ما فقط می‌خواهیم در مورد اینکه اصطلاح "پسر" به چه معناست صحبت کنیم؟ پسر چیزی یا چیز دیگری به چه معناست، پسر انسان به چه معناست؟ گاهی اوقات به این معنی است که اگر عیسی پسر یوسف است، این به چه معناست؟ اگر سلیمان پسر داوود است، این به چه معناست؟ بنابراین در مورد عیسی، یوسف پدر واقعی او نبود، اما او پسری بود، به نوعی در خانواده به فرزندی پذیرفته شده بود (نوعی ناپدری او). (داوود و سلیمان، می‌دانید سلیمان، پسر داوود، شما در مورد پسران واقعی صحبت می‌کنید. اما اصطلاح «پسر» می‌تواند نه تنها به معنای پسر در یک رابطه پدر و پسری باشد، بلکه می‌تواند هزار سال هم تغییر کند، بنابراین پسر داوود را داریم. بنابراین پسر داوود ۱۰۰۰ سال تغییر می‌کند؛ داوود پدر است، عیسی مسیح پسر داوود است) یعنی ۱۰۰۰ سال. (عیسی مسیح پسر ابراهیم است) (۲۰۰۰ سال قبل از میلاد)، این هم حدود ۲۰۰۰ سال دیگر است. بنابراین پسر لزوماً «پسر مستقیم» نیست، پسر می‌تواند به معنای ۱۰۰۰ سال باشد، اینکه شما از نوادگان، از نوادگان هستید، لزوماً به معنای پسر مستقیم نیست.

نکته‌ی دیگری که می‌توانیم بگوییم این است که پسر روحانی است. آیا به یاد دارید که پطرس در اول پطرس ۵:۱۳ گفت که مرقس پسر اوست؟ در اول قرن‌تین ۴:۱۷، تیموتائوس پسر پولس نامیده شد. پولس تیموتائوس را پسر خود خطاب می‌کرد و ما می‌دانیم که پولس پدر تیموتائوس نبود، اما می‌دانیم که او یک پدر روحانی بود. بنابراین اصطلاح «پسر» می‌تواند به معنای «پسر روحانی» یا به معنای تحت‌اللفظی پسر (مانند نسل اول) باشد، اما سپس می‌تواند به طور کلی به فرزندان یا نوادگان نیز در آخر (و احتمالاً مهمترین چیز برای ما (این است که می‌گوییم «پسر» می‌تواند شخصیت «...» اشاره کند را داشته باشد). پسر «به معنای» دارای شخصیت «...» است. بنابراین وقتی می‌گوییم «یعقوب و یوحنا پسران رعد هستند»، این به چه معناست؟ این بدان معناست که آنها شخصیت، ویژگی رعد بودن را دارند. به یاد دارید که یعقوب و یوحنا در کتاب لوقا می‌خواستند آتش از آسمان فرود آورند. در آن کتاب توصیف شده است که آنها می‌خواستند آتش از آسمان فرود آورند. بنابراین آنها «پسران رعد» هستند. برنابا؛ بار به معنای «پسر» «و نباس به معنای» تسلی «است. بنابراین برنابا «پسر تشویق» یا «پسر تسلی» «است». پسر «به این معنی است که برنابا

فردی از نوع دلگرم‌کننده است. بنابراین ما حتی امروز از این عبارت استفاده می‌کنیم؛ پسر یک - و معمولاً آن را در یک زمینه منفی در ذهن خود استفاده می‌کنیم، اما پسر چیزی یا چیز دیگری. شما نمی‌گویید که والدین آنها آن ویژگی را داشته‌اند، بلکه می‌گویید که والدین آنها آن ویژگی را داشته‌اند. بنابراین پسر انسان به این معنی است که او ویژگی انسان بودن را دارد. بنابراین می‌خواهیم به این موضوع نگاه کنیم. خودشناسی عیسی و اشاره صریح او به قیصریه فیلیپی در انجیل مرقس - متی فصل ۱۶ و همچنین در انجیل مرقس ۱۰:۲. وقتی عیسی از قیصریه فیلیپی می‌آید، از شاگردانش می‌پرسد: «مردم می‌گویند پسر انسان کیست؟ «به این موضوع توجه کنید»: مردم می‌گویند پسر انسان کیست؟ «آنها پاسخ دادند»: و پسر انسان کیست؟ «عیسی خود را معرفی می‌کند»: مردم می‌گویند پسر انسان کیست؟ «آنها پاسخ دادند»: برخی می‌گویند یحیی تعمید دهنده، برخی می‌گویند الیاس. برخی دیگر می‌گویند ار میا یا یکی از پیامبران «او می‌پرسد»: شما چه می‌گویید من کیستم؟ «پسر انسان، مردم می‌گویند پسر انسان کیست، شما می‌گویید من کیستم؟ شمعون پطرس پاسخ داد»: تو مسیح، پسر خدای زنده هستی «بنابراین عیسی خود را با این عبارت معرفی می‌کند.

ص. ظرایف پسر انسان - هویت و اقتدار [53:36-50:30]

حالا می‌خواهم پنج نکته ظریف در مورد اصطلاح «پسر انسان» را بررسی کنم. پنج نکته ظریف یا پنج مورد اول، به نظر من او را با IASED. جنبه در این مورد وجود دارد و می‌خواهم از این عبارت استفاده کنم نوع بشر یکی می‌کند، یعنی او پسر انسان است. یعنی عیسی واقعاً انسان است. بنابراین در متی فصل ۸ آیه ۲۰ آمده است: «روباهان لانه دارند، پرندگان هوا لانه دارند، اما پسر انسان جایی برای گذاشتن سر خود ندارد.» به عبارت دیگر، چیزی که او سعی دارد بگوید این است که پسر انسان بسیار انسان است و نه تنها انسان است، بلکه یک انسان است و جایی برای گذاشتن سر خود ندارد. بنابراین این نشان دهنده هویت او با نوع بشر است، اینکه او کاملاً با نوع بشر یکی است، حتی تا جایی که مسکن ندارد.

اقتدار، جنبه‌ی دیگری از این موضوع پسر انسان، همین مفهوم اقتدار است. مرقس فصل ۲ آیه ۱۰ این را می‌گوید: «گفتن کدام یک به مفلوج آسان‌تر است؟ «داستان آنجا را به خاطر دارید؟ این مرد فلج است؛ نمی‌تواند راه برود. ظاهراً چهار دوست دارد، یا حداقل ما نمی‌دانیم چند نفر، اما دوستانش آنجا هستند. دوستانش او را روی این تخت بلند می‌کنند؛ آنها نمی‌توانند تخت را به داخل خانه‌ی عیسی ببرند زیرا خانه پر از جمعیت است. بنابراین کاری که آنها انجام می‌دهند این است که به پشت بام می‌روند -- حالا باید درک کنید که اینجا نیوانگلد با سقف‌های شیب‌دار نیست، چون برف زیادی وجود دارد، سقف‌ها صاف هستند. بنابراین آنها روی سقف مسطح می‌روند و از گل ساخته شده است (همه چیز آنجا از گل و سنگ ساخته شده است، به همراه خانه. آنها از سقف پایین می‌روند -- و من همیشه تعجب می‌کنم که عیسی هنگام موعظه به چه چیزی فکر می‌کرد و مردم از سقف بیرون می‌زدند و تمام آن گل و گچ روی چیزها می‌ریخت. سپس ناگهان این مرد را روی یک حصیر با طناب یا چیزی درست در

دامان عیسی می‌اندازند. همه انتظار دارند عیسی چه بگوید، "بلند شو و راه برو، من تو را شفا دادم". عیسی چه می‌گوید؟ عیسی این کار را نمی‌کند". گفتن کدام یک به فلج آسان‌تر است؟ 'گناهاقت بخشیده شد' یا گفتن 'بلند شو و تشک را بردار و راه برو'؟ اما برای اینکه بدانید پسر انسان بر روی زمین اختیار بخشش گناهان را دارد، به فلج گفت، به تو می‌گویم بلند شو، تشک را بردار و به خانه برو". همه شگفت‌زده شدند. آنها به او نزدیک شدند و گفتند: "وای، او می‌تواند گناه را ببخشد؟ چه کسی جز خدا می‌تواند گناه را ببخشد؟" بنابراین این یک عامل بزرگ در اینجا برای اقتدار است. از عیسی، اینکه عیسی توانایی بخشش گناه را دارد، اما عیسی همچنین می‌تواند با گفتن برخیز، تشک خود را بردار و به خانه برو «فلج را شفا دهد. و این شخص با کلام عیسی این کار را انجام» می‌دهد. بنابراین پسر انسان بر روی زمین اختیار انجام این کارها را دارد. بنابراین اصطلاح «پسر انسان» در اینجا به معنای مقام و منصب است.

س. نکات ظریف پسر انسان - رنج [۳۶:۵۳-۴۵:۵۷]

حالا این یکی، به نظر من: خیلی جالب است. در عهد عتیق دو نوع تفکر در مورد مسیح وجود دارد. چیزی که یهودیان در قدیم مسیح را بن داوود می‌نامیدند. بن به معنی «پسر» مسیح است، *مشیا* به معنی مسح شده است؛ مسیح، مسح شده. بن داوود «پسر داوود» از دوم سموئیل ۷:۱۴ و پس از آن بود، جایی که خدا می‌گوید: امروز برای تو خانه‌ای خواهم ساخت و این خانه تا ابد پابرجا خواهد ماند. از نسل تو، داوود، کسی خواهد بود که «تا ابد بر تخت اسرائیل خواهد نشست». آنها آن را «پسر داوود» می‌نامیدند. بنابراین، این مسیح را می‌بینید که می‌آید و شیری که با بره دراز کشیده و با عصای عدالت و انصاف حکومت می‌کند، و صلح و هماهنگی که بر زمین می‌آید. شما تمام این پیش‌بینی‌های شگفت‌انگیز از آینده این مسیح آینده را می‌بینید که آنها باید به دنبالش باشند از سوی دیگر، و این معما، جنبه‌ی دیگری از مسیح در عهد عتیق وجود دارد که واقعاً منفی است. این مسیح بنده‌ی رنج‌کشیده است، می‌توانید آن را به شکلی درخشان در اشعیا ۵۳ ببینید: او مانند گوسفندی خواهد بود که به کشتارگاه برده می‌شود... و از زخم‌های او ما شفا می‌یابیم «از زخم‌های او ما شفا می‌یابیم، همه ما مانند گوسفندان گمراه شده‌ایم» و خداوند گناه همه ما را بر او نهاده است»، اشعیا ۵۳. برخی از مردم گفتند که یک مسیح بن یوسف وجود دارد. به یاد دارید که چگونه یوسف به زندان افتاد. یوسف به عنوان برده به مصر فروخته شد و یوسف به زندان انداخته شد و آنها او را مسیح بن یوسف، پسر یوسف، نامیدند.

بنابراین، اصطلاح پسر انسان، در کتاب مرقس، مفهوم رنج را در بر می‌گیرد. بنابراین، این مسیح، این پسر انسان، مفهوم مسیح بن داوود را ندارد، بلکه پادشاه آینده‌ای است که قرار است حکومت کند، بلکه این مسیح بن یوسف، این بنده رنج‌کشیده را نیز دارد. حالا اجازه دهید چند آیه از مرقس برایتان بخوانم، اینها آیات فوق‌العاده‌ای هستند: سپس او شروع به تعلیم دادن به آنها کرد که پسر انسان باید رنج‌های زیادی بکشد، توسط بزرگان، کاهنان اعظم و معلمان شریعت رد شود و کشته شود و پس از سه روز دوباره برخیزد. «او در این مورد

به طور واضح صحبت کرد، سپس پطرس او را کنار خود برد و شروع به سرزنش او کرد: «شیطان، از من دور شو، تو به امور الهی فکر نمی‌کنی، بلکه به امور انسانی فکر می‌کنی.» می‌گوید که پسر انسان باید رنج بکشد و بنابراین شما این تصور را دارید که عیسی پسر انسان است، که رنج کشیدن بخشی از آن است. بنابراین ۸:۳۱، و چیزی شبیه به ۱۰:۳۱، تقریباً سه بار پشت سر هم می‌آید. ۹:۳۱ می‌گوید که او کشته خواهد شد، او به آنها ۹:۳۱ می‌گوید: «پسر انسان به دست مردم تسلیم خواهد شد، او را خواهند کشت و پس از سه روز او زنده خواهد شد.» اما آنها منظور او را نفهمیدند و ترسیدند که از او در این مورد بپرسند «توجه کنید که شاگردان از پرسیدن می‌ترسند. بعداً به آن مفهوم ترس برمی‌گردیم. سپس در فصل 10 آیه 33، به او خیانت خواهد شد». دوباره دوازده نفر را به کناری برد و به آنها گفت که چه اتفاقی برایش خواهد افتاد. او گفت: «ما به اورشلیم می‌رویم و پسر انسان [که دوباره خود را به عنوان پسر انسان معرفی می‌کند] به کاهنان اعظم، یعنی علمای دین، تسلیم خواهد شد. آنها او را به مرگ محکوم کرده و تحویل خواهند داد.» بنابراین اساساً در مورد خیانت، اینکه یهودا به او خیانت خواهد کرد، غیریهودیان او را مسخره می‌کنند و به او آب دهان می‌اندازند، او را شلاق می‌زنند و می‌کشند و سه روز بعد از مردگان [مژده] برمی‌خیزد. بنابراین پسر انسان این مفهوم را در کتاب مرقس از بنده رنج‌کشیده دارد و این موضوع مهمی در کتاب مرقس است.

ر. ظرایف پسر انسان - فرجام‌شناختی و الهی [62:54-57:45]

خب، این یکی واقعاً پیچیده است، و یکی که باید حتماً آن را بفهمید. این پسر انسان آخرالزمانی است. حالا وقتی می‌گویید آخرالزمانی، منظورتان از این اصطلاح چیست؟ اصطلاح آخرالزمانی، /سکاتون به معنی پایان «است. بنابراین آخرالزمان مطالعه‌ی زمان‌های آخر است. افرادی که به کتاب دانیال و مکاشفه علاقه دارند، «خنده‌دار است که برخی کلیساها به رومیان و غلاطیان علاقه دارند و همه چیز باید از طریق دیدگاه پولس از عیسی فهمیده شود. بقیه‌ی کتاب مقدس از طریق رومیان و غلاطیان فهمیده می‌شود و آنها به این نوع تفسیر افتخار می‌کنند. افراد دیگری هم هستند که بیشتر به آخرالزمان علاقه دارند. آنها کل کتاب مقدس را در رابطه با دانیال و مکاشفه می‌فهمند. بنابراین می‌توانید حتی به مکاتب مختلف نگاه کنید و مکاتب مختلف بر رومیان و غلاطیان تأکید می‌کنند و مکاتب دیگر بر دانیال و مکاشفه. نکته‌ی من این است که ما باید کل کتاب مقدس را از طریق کل کتاب مقدس بفهمیم. بهتر است از پیدایش شروع کنیم و آن را به همان شکلی که نوشته شده بخوانیم، نه اینکه از این دو کتاب برای فهم کتاب مقدس استفاده کنیم. برگردیم به این بحث آخرالزمانی، بیایید نگاهی به عیسی بیندازیم. در واقع اینجا چیزهای باورنکردنی وجود دارد. مرقس ۱۴:۶۱؛ این در پایان است، عیسی، پس از اینکه کاهن اعظم از او پرسید - بنابراین کاهن اعظم او را به مرگ محکوم خواهد کرد و او مصلوب خواهد شد. کاهن اعظم می‌گوید: «آیا تو مسیح، پسر خدای متبارک هستی؟» «عیسی گفت:» من هستم. «آیا تو مسیح هستی؟ مسیح، مسیح، پسر خدای متبارک هستی؟ عیسی گفت:» من هستم و پسر انسان را خواهی دید.» ببینید چگونه آن را تغییر

می‌دهد؟ آیا تو مسیح، پسر خدای متبارک هستی، متبارک بودن در مورد خدا به کار رفته است (آیا تو پسر خدا هستی؟). (عیسی گفت: «من هستم و پسر انسان را خواهی دید که در دست راست قادر مطلق نشسته و در ابرهای آسمان می‌آید.» کاهن اعظم لباس خود را پاره کرد. او گفت: «دیگر چه نیازی به شاهد داریم؟» «کفر او را شنیده‌اید.» حالا این کفر چگونه است؟ خب، معلوم می‌شود که عیسی از دانیال ۷:۱۳ نقل قول می‌کند: «پسر انسان را خواهید دید که در ابرها می‌آید.» (برای دانیال ۷:۱۳) باید پیشینه عهد عتیق را درک کنید (- چه کسی در عهد عتیق سوار بر ابرها می‌شود؟ چه کسی بر ابرها می‌آید؟ چه کسی بر ابره‌های ابرها سوار می‌شود؟ خب، شما می‌گویید، در عهد عتیق، بعل بود که سوار بر ابرها می‌شد، اما بعد می‌گویید: «نه، عهد عتیق این را در جاهایی مانند مز مور ۶۸ اصلاح می‌کند، جایی که می‌گوید: «یهوه کسی است که بر ابرها سوار می‌شود.» «خدا، یهوه، یهوه، خداوند کسی است که بر ابرها سوار می‌شود. حالا عیسی می‌گوید که شما پسر انسان را خواهید دید - او خود را چه می‌نامد؟ - «پسر انسان.» خواهید دید که پسر انسان با صدای سوت ماندی بر روی این ابرها فرود می‌آید. کاهنان فهمیدند، یک کاهن اعظم دقیقاً فهمید که عیسی چه می‌گوید. عیسی می‌گفت که به عنوان پسر انسان، در کتاب دانیال، او در ابرهای آسمان برای داوری نهایی می‌آید، که عیسی می‌گفت "من خدا هستم." بنابراین کاهن اعظم لباس خود را پاره می‌کند و می‌گوید: "این کفر است." در واقع، من آن را کفر نمی‌نامم زیرا او خدا بود، اما پس از عیسی، می‌توانید ببینید که چرا او وحشت می‌کند؛ زیرا او از عبارت پسر انسان نقل قول می‌کند. پسر انسان، این عنوان در دانیال ۷:۱۳ ذکر شده است و به آمدن خدا بر روی ابرها اشاره دارد. بنابراین، "کفر او را شنیدید"، زیباست که چگونه عیسی از این اصطلاح، پسر انسان، برای اشاره به الوهیت خود استفاده می‌کند. کاهن اعظم از این موضوع وحشت می‌کند.

در نهایت، این آخرین نکته ماست (و تقریباً مشابه نکته قبلی است)، یعنی اصطلاح «پسر انسان» در واقع به معنای الوهیت است یا به آن اشاره می‌شود. بنابراین، این ایده که پسر انسان در ابرهای آسمان می‌آید، در واقع اشاره‌ای به الوهیت است. بنابراین اصطلاح «پسر انسان» جنبه‌های زیادی دارد و اساساً با انسان‌ها همذات‌پنداری دارد، اینکه او کاملاً انسان است، احساس می‌کند، جایی برای قرار دادن سر خود ندارد؛ او مقتدر است، مردم را با کلام خود شفا می‌دهد، گناهان را می‌بخشد؛ او بنده رنج‌کشیده است، او مسیح بن یوسف است - او رنج می‌کشد، به او خیانت خواهد شد؛ او آخرالزمانی است، او در ابرهای آسمان در پایان جهان می‌آید و قرار است همه چیز را درست کند. پسر انسان قرار است همه چیز را درست کند. بنابراین اینها جنبه‌هایی از اصطلاح «پسر انسان» هستند. این یک اصطلاح پیچیده است. عیسی خود را با اصطلاح «پسر انسان» معرفی می‌کند، و بنابراین این اصطلاح واقعاً مهمی است.

س. راز مسیحایی چیست؟ [۵۴:۶۲-۵۸:۶۴]

حالا، موضوع مهم بعدی ما، و این است - فقط چند دقیقه ادامه می‌دهیم و با این تمام می‌کنیم - این مفهوم

راز مسیحایی است. هر کدام از شما که کتاب مرقس را خوانده‌اید، می‌دانید که این می‌تواند یک مشکل باشد. چرا عیسی به مردم گفت که به کسی نگویند که او کیست؟ پس راز مسیحایی چیست؟ چرا عیسی به مردم گفت که به کسی نگویند که چه کاری انجام داده است؟ او کسی را شفا می‌داد و سپس می‌گفت: «هی، به کسی در مورد آن نگویند». در واقع، معمولاً وقتی می‌گویند به کسی در مورد آن نگویند، معمولاً آنها بیرون می‌روند و به همه می‌گویند. بنابراین برخی از مردم فکر می‌کنند که این نوعی روانشناسی معکوس است. عیسی گفت که کسی نگویند تا آنها به آنها بگویند. من فکر می‌کنم باید در این رویکرد مراقب باشید، اما عیسی مراقب است - و اگر آن را خوانده باشید، احتمالاً از خود پرسیده‌اید که چرا عیسی این را می‌گوید؟

بگذارید چند مثال برایتان بزنم. مرقس ۱۱:۳ می‌گوید: «چون ارواح پلید او را دیدند، در برابرش به خاک افتادند و فریاد زدند: «تو پسر خدایی»». «حالا، چه عبارات واضح‌تری، شیاطینی را داریم که به خاک می‌افتادند و می‌گفتند: «تو پسر خدایی»، «اما او به آنها دستور اکید داد که نگویند او کیست.» این یکی از مرقس ۱:۴۴ است، زمانی که عیسی در حال شفای یک جذامی است. سپس عیسی فوراً او را با هشدار قوی روانه کرد: «مراقب باش که این را به کسی نگویی، بلکه برو و خود را به کاهن نشان بده و قربانی‌هایی را که موسی برای تطهیر تو دستور داده است، به عنوان گواهی برای آنها تقدیم کن!» در عوض، او بیرون رفت تا آزادانه صحبت کند و این خبر را پخش کند. «در نتیجه، چون این مرد بیرون رفت و این مطالب را پخش کرد، می‌گوید: عیسی دیگر نمی‌توانست آشکارا وارد شهر شود.» بنابراین ظاهراً جمعیت آنقدر زیاد می‌شود که او نمی‌تواند آن را تحمل کند، زیرا این مرد مطالب را در همه جا پخش کرده است. پس چگونه می‌توان با این به اصطلاح راز مسیحایی، که عیسی از مردم خواسته چیزی نگویند، کنار آمد؟

ت. یک راه حل ممکن برای راز مسیحایی [۷۰:۴۸-۶۴:۵۸]

G؛ 70:48-62:54؛ راز مسیحایی ST ترکیب:

چیزی که می‌خواهم انجام دهم این است که اساساً می‌خواهم به شما بگویم که این یک مفهوم یکپارچه نیست. در واقع شامل سه مخاطب مختلف است که عیسی خطاب به آنها می‌گوید: «به کسی نگویند.» یکی از مخاطبان کسانی خواهند بود که او شفا می‌دهد. آنها می‌گویند کسانی که او شفا می‌دهد، جذامی بوده‌اند و او به جذامی گفته است: «به کسی نگویند.» او آنها را از جذامشان پاک می‌کند. او می‌گوید: «برو خود را به کاهن نشان بده، کاهن تو را پاک یا ناپاک اعلام خواهد کرد.» این روش عهد عتیق برای انجام این کار بود. بنابراین او به کسانی که شفا می‌یابند می‌گوید که این کار را نکنند. حالا چرا عیسی به آنها گفت که این کار را نکنند؟ چرا عیسی به آنها می‌گوید که به کاهن بروند؟ من فکر می‌کنم عیسی نمی‌خواست به عنوان یک جادوگر شناخته شود، و همچنین نمی‌خواست که مردم لزوماً فقط به خاطر اینکه او یک جادوگر است و روی آنها جادو می‌کند، به او مراجعه کنند. بنابراین، چون این افراد شفا می‌یافتند، او همه این‌ها را نمی‌خواست. حالا یکی از مشکلاتی که اینجا

می‌بینیم این است که وقتی افرادی که شفا یافته بودند بیرون رفتند، عیسی دیگر نمی‌توانست وارد شهر شود. جمعیت آنقدر زیاد بود که او حتی نمی‌توانست وارد شهر شود. بنابراین، فکر می‌کنم عیسی گفت: «آرام باشید»، چون نمی‌خواهد به عنوان یک جادوگر شناخته شود. بنابراین فکر می‌کنم به فرد شفا یافته می‌گوید: «بسیار خوب، می‌دانم که تو را شفا داده‌ام، اما به همه نگو، چون نمی‌خواهم انتظار داشته باشند که من فقط قرار است همه را شفا بدهم و یک جادوگر هستم».

دسته دوم افرادی که او به آنها می‌گوید چیزی نگویند، شیاطین هستند. چندین بار شیاطین به زمین می‌افتند و می‌گویند: «تو پسر خدا هستی» و عیسی می‌گوید: «چیزی نگو». من فکر می‌کنم شیاطین، فکر می‌کنم اساساً شیاطین هستند که نمی‌گویند او کیست زیرا شیاطین نماینده شیطان و تمام نیروهای شر هستند و او می‌گوید این تبلیغات بدی است». من نمی‌خواهم این شیاطین بگویند من کیستم زیرا این تبلیغات بدی است». این مثل این است که بگویم هیتلر می‌گوید تو آدم خوبی هستی. هیتلر می‌گوید من آدم خوبی هستم - می‌گوید من آدم خوبی هستم پس از اینکه ۶،۰۰۰،۰۰۰ نفر را کشت. کسی که بد است، حرف خوبی در مورد تو می‌زند، احتمالاً تو هم بد هستی. بنابراین او می‌گوید: «من این نوع تبلیغات را نمی‌خواهم زیرا شیاطین دروغگو، فریبکار و شرور هستند». همه می‌دانند که آنها شرور هستند و او شهادت سخنان شیاطینی آنها را نمی‌خواهد. بنابراین به آنها می‌گوید: «ای شیاطین، به مردم نگویند که من پسر خدا هستم؛ این در حوزه اختیارات شما نیست».

در آخر، حتی شاگردان، و این جالب است، بگذارید ببینم می‌توانم این آیه را برای شما بیرون بکشم. فصل با شاگردان، در مرقس ۹:۹ عیسی به آنها می‌گوید که آنچه را که دیده‌اند (آنها تازه تبدیل هیئت را دیده بودند) به کسی نگویند تا زمانی که پسر انسان از مردگان برخیزد. حالا این به چه معناست؟ من فکر می‌کنم تا حد زیادی شاگردان اطلاعات کمی در مورد عیسی داشتند. شاگردان در بسیاری از جاها عیسی می‌گویند: «شما هنوز در مورد خمیرمایه نمی‌فهمید، شما هنوز این چیزها را نمی‌فهمید». آنها در مورد تبدیل هیئت هستند؛ آنها می‌خواهند سه کلبه برای موسی، الیاس و عیسی بسازند. آنها هنوز هیچ ایده‌ای در مورد اینکه واقعاً چه کاری باید انجام دهند ندارند، اینکه پسر خدا پسر انسان است. تا حد زیادی، او به شاگردان می‌گوید تا بعد از رستاخیز به کسی نگویند. پس از رستاخیز، آنها رویای واقعی در مورد اینکه عیسی واقعاً چه کسی بود و چه مقدر شده بود، فراخوانده شده بود و قرار بود چه کاری انجام دهد، خواهند داشت. بنابراین فکر می‌کنم در مورد شاگردان، مسئله درک و فهم است تا زمانی که آنها توسط روح القدس، روشن‌بینی مربوط به رستاخیز را دریافت کنند.

بنابراین، در این راز مسیحایی، این سه گروه مورد خطاب قرار می‌گیرند و گفته می‌شود: «آن را پنهان کنید». عیسی نمی‌خواهد شفایافتگان به عنوان یک جادوگر شناخته شوند؛ در مورد شیاطین، او به دلیل ارتباطات بد، تأیید آنها را نمی‌خواهد؛ و شاگردان، عمدتاً به این دلیل که شاگردان باید قبل از اینکه بیرون بروند و درباره تبدیل هیئت صحبت کنند، تصویر کاملی از او را درک کنند و باید بهتر درک کنند.

خب، این تا جایی است که می‌خواهم امروز در کتاب مرقس به آن بپردازم. بنابراین ما به شخصیت

مرقس، رابطه‌اش با پولس، رابطه‌اش با پطرس نگاه کردیم. ما به مرقس از نظر الوهیت مسیح و آن چند آیه اول و اینکه چگونه او از پیشگویی اشعیا که معلوم می‌شود از خروج و از ملاکی است نقل قول می‌کند، نگاه کردیم؛ و از اشعیا او به طرز شگفت‌انگیزی عیسی مسیح را به عنوان کسی که راه از قبل به عنوان خدا، به عنوان یهوه آماده شده است، معرفی می‌کند. سپس اصطلاح «پسر انسان» را نیز بررسی کردیم. اکنون نیز به راز مسیحایی نگاه کرده‌ایم. این دو چیز واقعاً در کتاب مرقس مهم هستند. بسیار خوب، ما آن را به همین جا ختم می‌کنیم. دفعه بعد کتاب مرقس را برمی‌داریم و تمام می‌کنیم. از همراهی شما متشکریم.

ترجمه شده توسط جسی استیل
ویرایش شده توسط بن بودن
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت